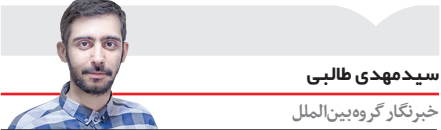


وضعیت در مرزهای لبنان و رژیم صهیونیستی به جنگ نزدیک‌تر شده است



سید مهدی طالبی

خبرنگار گروه بین‌الملل

مقاومت لبنان طی ماه‌های اخیر هشدار داده بود در صورت به بن‌بست رسیدن مذاکرات ترسیم مرزهای دریایی میان این کشور و رژیم صهیونیستی احتمال حمله نظامی این نیرو به فلسطین اشغالی بالاست. چنین تهدیداتی باعث شد «آموس هوکشتاین» با دستور کار جدی‌تری که حتی شامل اطلاع جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا از این مذاکرات نیز می‌شد، به میانجی‌گری بین بیروت و تل‌آویو برای ترسیم مرزها شدت بخشد. با این‌وجود به‌نظر می‌رسد صهیونیست‌ها به جای عمل به تعهدات خود همچنان به‌دنبال مسدودسازی مسیرهای دسترسی لبنان به منابع نفت و گاز خود هستند؛ موضوعی که عامل اصلی بروز جنگ‌آتی در منطقه خواهد بود. سیدحسن نصرالله دبیرکل نیروهای مقاومت لبنان پیشتر اعلام کرده بود وضعیت این کشور به دلیل تحریم‌های آمریکا به سطح هشدار رسیده و این نیرو دست‌بسته نخواهد ماند تا خون مردم لبنان به دلیل درگیری با یکدیگر در صف‌های سوخت و نان به زمین ریخته شود. نصرالله تاکید کرده بود در چنین شرایطی ریخته‌شدن خود مردم لبنان در میدان جنگ شرافتمندانه‌تر از کشته‌شدن‌شان توسط یکدیگر است. در این میان برخی منابع آمریکایی به رژیم صهیونیستی هشدار داده‌اند که مقاومت لبنان در حال آماده‌شدن برای جنگ است.

با این‌حال آنچه بیشتر از وقوع جنگ مهم به‌نظر می‌رسد هدفی است که از این جنگ در ذهن فرماندهان محور مقاومت قرار دارد؛ «آزادسازی الجلیل».

۵ الجلیل؛ نقطه تمرکز اصلی جنگ

سیدحسن نصرالله دبیرکل نیروهای مقاومت لبنان نخستین بار در شانزدهم فوریه ۲۰۱۱ بر آزادسازی منطقه الجلیل در جنگ‌آتی تاکید کرد. در جریان این اظهارنظر مشخص شد جنگ بعدی حزب با رژیم دفاعی نبوده‌و شامل اقدامات تهاجمی خواهد شد. منطقه الجلیل از چند جهت انجام عملیات نظامی را برای نیروهای مقاومت ممکن می‌سازد.

۱ کوهستانی بودن منطقه

الجلیل به‌ویژه در قسمت‌های شمالی کوهستانی است و به همین دلیل رژیم در آنها قادر نیست به‌طور موثری از تسلیحات سنگین مانند خودروهای زرهی بهره ببرد. از سوی دیگر کوهستانی بودن امکان نفوذ چریکی را فراهم می‌آورد.

۲ نزدیک‌ترین منطقه به لبنان

الجلیل به دلیل مجاورت با خاک لبنان این اجازه را به مقاومت می‌دهد تا از طریق شبکه تونل‌های خود به این منطقه نفوذ کند.

۳ غلبه جمعیتی فلسطینی‌ها بر صهیونیست‌ها

در سال ۲۰۰۵ یهودیان ۱۸٫۱ درصد از جمعیت قلب جلیل را تشکیل می‌دادند، اما در سال ۲۰۲۰ آنها تنها ۱۴٫۶ درصد از جمعیت این منطقه بودند.

در طول این ۱۵ سال جمعیت صهیونیست‌ها اندکی افزایش یافته بود، اما رشد جمعیت فلسطینی‌ها کاهش نسبی وزن آنها را رقم زد. جمعیت یهودیان در سال ۹۷۵۲۶٫۲۰۰۵ بود که در سال ۲۰۲۰ به ۹۸۷۱۶ رسید. در مقابل اما جمعیت فلسطینی‌ها که در سال ۲۰۰۵، ۴۴۱۲۱۲٫۲۰۰۵ نفر بود با ۲۶٫۵ درصد افزایش به ۵۷۶۵۵۶ نفر در سال ۲۰۲۰ رسید. هم‌اکنون فلسطینی‌ها بیش از چهارپنجم منطقه الجلیل را شامل می‌شوند که این مسئله می‌تواند آزادسازی این منطقه را آسان‌تر کند.

۵ اثرات آزادسازی الجلیل

درصورت وقوع جنگ و محقق‌شدن آزادی منطقه الجلیل در شمال فلسطین اشغالی، این موضوع در حداقلی‌ترین سطح دارای پیامدهای مهمی به زبان رژیم صهیونیستی خواهد بود.

۱ آزادسازی حتمی جولان

آزادسازی الجلیل تاثیرات قاطعی در جولان خواهد داشت، زیرا با آزادسازی این منطقه ادامه اشغال جولان برای صهیونیست‌ها ناممکن خواهد بود. همچنین اگر عمق مناطق آزادسازی‌شده در الجلیل افزایش یابد قادر به اثرگذاری بر کرانه باختری نیز خواهد بود.

۲ اسارت شهرکنشینان و مبادله با زندانیان

نفوذ مقاومت به شمال فلسطین اشغالی موجب خواهد شد دست‌کم چند هزار شهرکنشین صهیونیست به اسارت درآیند. این جمعیت پس از جنگ می‌توانند پای‌ای برای آغاز فرآیند مبادله اسرا باشند.

۳ تبدیل‌شدن قلب استقرار صهیونیست‌ها به خط مقدم

با ازدست‌رفتن شمال فلسطین اشغالی عملا مرکز این سرزمین‌ها که قلب استقرار جمعیت و تاسیسات رژیم صهیونیستی است به خط‌مقدم جنگ بعدی مبدل می‌شود.

۴ تزیق هراس

آزادسازی الجلیل به دلیل موج مهاجرتی که در میان صهیونیست‌ها برمی‌انگیزد می‌تواند هراس را به درون سرزمین‌های اشغالی بکشانند.



همچنین نظامیان شکست‌خورده صهیونیست می‌توانند این هراس را به داخل نهادها و سرزمین‌های اشغالی بکشانند.

۵ کاهش جمعیت رژیم صهیونیستی

یهودیان به یک سرزمین درحال کوچک‌شدن مهاجرت نخواهند کرد بلکه یهودیان ساکن در سرزمین درحال کوچک‌شدن از آن خارج خواهند شد.

۶ تحریک فلسطینیان در دیگر مناطق

آزادسازی الجلیل با دمیدن روح امید به جمعیت‌های فلسطینی در داخل فلسطین و در سرزمین‌های اطراف باعث افزایش تحرکات آنان خواهد شد. از این‌رو پس از این اتفاق رژیم به شکل جدی‌تری با خیزش‌های فلسطینی در کرانه باختری، نوار غزه و داخل سرزمین‌های ۱۹۴۸ روبه‌رو خواهد شد.

۷ آغاز فرایند بازگشت آوارگان

یکی از اهداف رژیم صهیونیستی از گسترش شهرک‌سازی‌ها مسدودسازی بازگشت آوارگان فلسطینی به این سرزمین است. ایجاد سکونتگاه‌های جدید می‌تواند به نفی تاریخ مناطق مزبور منجر شود.

با این‌حال آزادسازی الجلیل می‌تواند موجی از بازگشت را برای آوارگان فلسطینی ساکن در لبنان و سوریه رقم بزند.

۵ استعداد سازمان نظامی حزب برای جنگ

شیخ «نعیم قاسم»، معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان در گفت‌وگو با «روت روبین رایت»، خبرنگار نشریه آمریکایی «نیوپورکر» در دسامبر سال ۲۰۱۶ (آذر ۱۳۹۵) درباره تعداد نیروهای این گروه اعلام کرده بود: «حزب‌الله لبنان با بیش از ۲۰ هزار نیرو و نیروهای ذخیره دوبرابر این مقدار، بزرگ‌ترین نیروی مقاومت را در جهان عرب دارد.» این تعداد نیرو در کل شامل ۶۰ هزار نظامی می‌شود. سیدحسن نصرالله در سخنان اخیر خود تعداد رزمندگان گروه تحت رهبری اش را ۱۰۰ هزار تن عنوان کرد، اما مشخص نساخت این تعداد، افراد رزمنده این گروه هستند یا شامل افراد ذخیره نیز می‌شوند. در این میان دو سناریوی کلی وجود دارد. در سناریوی نخست عدد عنوان‌شده شامل رزمندگان این گروه می‌شود و افراد ذخیره را دربرنمی‌گیرد. اگر قاعده یک رزمنده در برابر ۲ نیروی ذخیره را در حزب‌الله درنظر بگیریم، تعداد نیروهای این گروه هم‌اکنون شامل ۱۰۰ هزار رزمنده به اضافه ۲۰۰ هزار نیروی ذخیره خواهد بود. اما در سناریوی دوم اگر ۱۰۰ هزار نفر را کل آمار نظامی این گروه درنظر بگیریم، حزب‌الله هم‌اکنون دارای ۳۳ هزار نیروی رزمنده و ۶۶ هزار نیروی ذخیره خواهد بود. برای بررسی این دو



بلندی‌های اشغالی جولان

سناریو کار سختی پیش روی ما قرار دارد و باید پیش از آن نگاهی به ساختار نظامی حزب‌الله انداخت. گرچه در انتها با توجه به سطح بالای حفاظت از اطلاعات در این گروه، تشخیص نهایی امری مشکل است.

لبنان هم‌اکنون دارای ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار ساکن است که به‌نظر می‌رسد این عدد شامل بیش از ۱٫۵ میلیون نفر آواره سوری مستقر در این کشور نیز می‌شود. از این‌رو جمعیت لبنانی‌های ساکن در کشورشان را باید در حدود ۵ میلیون نفر دانست. بنابر آمارها، در سایه رشد جمعیت شیعیان در لبنان، این گروه در حال حاضر نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که چیزی معادل ۲٫۵ میلیون نفر است. به‌صورت تقریبی اگر نیمی از آنان را مذکر، و بار دیگر نیمی از جمعیت مذکر را قادر به حمل سلاح بدانیم چیزی معادل ۶۵۰ هزار تن از شیعیان لبنان را مردانی تشکیل می‌دهند که قادر به جنگیدن هستند. با این‌وجود اما به‌طور معمول در میان جمعیت‌ها، هیچ‌گاه نمی‌توان با درنظر گرفتن تفاوت در روحیه و تفکرات افراد مختلف، تمام مردان بالغ را جزء افراد قابل رزم تلقی کرد. در این میان اما حزب‌الله می‌گوید ۱۰۰ هزار رزمنده دارد که چیزی شامل ۱۵ درصد از مردان قادر به حمل سلاح در میان شیعیان است. سیدحسن این تعداد را این‌گونه توصیف کرده است که «مسلیح و آموزش دیده‌اند و آماده‌اند فقط با اشاره و نه دستور بروند و کوه‌ها را ازجا بکنند.» این مساله نشان می‌دهد که به احتمال زیاد قاعده یک در میدان، ۲ تن ذخیره هم‌اکنون نیز وجود دارد، زیرا ۱۰۰ هزار نفری که توصیف‌شده‌اند قادر به تحرک سریع برای انجام عملیات هستند. با توجه به این شرایط باید گفت نیروهای رزمنده این گروه از ۲۰ هزار تن به ۱۰۰ هزار تن رسیده‌اند و تعداد نیروهای ذخیره آن نیز از ۴۰ هزار تن به ۲۰۰ هزار تن افزایش یافته‌اند. درصورت درستی این سناریو مجموع کادر نظامی حزب‌الله ۳۰۰ هزار نفر است که شامل نیمی از جمعیت مردان بالغ شیعه در لبنان می‌شود.

۵ بخش‌های نظامی حزب

نیروهای مقاومت لبنان هرچند در ظاهر بخشی از این کشور کوچک هستند اما از نظر نظامی از استعداد انسانی و توان رزمی یک ارتش برخوردارند. نمونه برجسته آن شکست رژیم صهیونیستی در دوبرهه سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ است که در آن مقاومت لبنان ارتشی را شکست داد که برای چندین دهه ارتش‌های عربی را مضمحل ساخته بود. در ادامه به ساختارهای انسانی حزب نگاهی انداخته‌ایم.

۱ یگان ویژه رضوان

یگان رضوان، نیروهای ویژه حزب را تشکیل می‌دهد. با این‌حال مشخص نیست که آیا این یگان تنها نیروی ویژه در اختیار مقاومت است یا خیر. همچنین ابعاد استعداد انسانی آن به‌طور کامل مشخص نیست اما برخی آن را در اندازه ۲۵۰۰ رزمنده تخمین زده‌اند که معادل یک تیپ نیروی ویژه است.

اعضای یگان رضوان آموزش‌های ویژه‌ای را پشت‌سرگذاشته و همواره در میادین نبرد دشواری حضور داشته‌اند که این مساله باعث شد این یگان به‌شدت ورزیده و آماده عملیات‌های سخت باشد. گفته می‌شود وظیفه این یگان انجام عملیات‌های نفوذ فوری و ایجاد آسیب شدید به خطوط مقدم دشمن است.

۲ بدنه اصلی سازمان رزم

بعد از یگان‌های ویژه که همواره تحت آموزش بوده و در سخت‌ترین مقاطع نبردها حضور داشته‌اند، در لایه دوم، دیگر یگان‌های حزب قرار دارند. در این لایه نیز نیروهای به‌شدت آموزش دیده‌ا حضور دارند که به‌طور ویژه‌ای در جریان جنگ سوریه در میدان نبرد مورد آزمون قرار گرفته‌اند. این نیروها نیز هرچند از قدرت رزمی یگان رضوان برخوردار نیستند اما در کنار کیفیت آموزش و تجارب جنگی از تعداد بالای نفرات برخوردار هستند. تعداد این نیروها از ۳۰ تا ۱۰ هزار تن تخمین زده می‌شود.

۳ نیروهای ذخیره

حزب به‌عنوان اصلی‌ترین نیروی جنگی شیعیان



لبنان در صورت نیاز قادر به بسیج عمومی در میان آنهاست. حضور بیش از ۵۰۰ هزار شیعه در لبنان که قادر به بسیج نظامی هستند نشان می‌دهد حزب دست‌کم قادر است ۲۰۰ هزار تن از آنان را به‌خدمت بگیرد. باید توجه داشت با توجه به جو طایفه‌ای لبنان و مسلح بودن مردم، این نیروها خود دارای سلاح هستند و مقاومت در شرایط بحرانی نیازی به توزیع سلاح پرای آنان ندارد.

این نیروهای ذخیره حتی در زمانی که به میدان نبرد فراخوانده نشده‌اند نیز می‌توانند برای تثبیت جبهه داخلی در برابر نیروهای مزدور مورد استفاده قرار گیرند. باید توجه داشت بخشی از جریانات سیاسی داخلی لبنان که دارای نیروهای شبه‌نظامی نیز هستند احتمال دارد پس از دشوار شدن شرایط جنگ در پشت جبهه علیه حزب و شیعیان دست به اقداماتی بزنند که در اینجا حضور ۲۰۰ هزار نیروی ذخیره مسلح می‌تواند مانعی در برابر آنها باشد.

همچنین در صورتی که رژیم صهیونیستی طرح‌هایی برای هلی‌برد گسترده نیرو در پشت خطوط مقدم و در داخل لبنان داشته باشد، حضور مردم مسلح می‌تواند آنها را در نقطه فرود با درگیری مواجه سازد.

۴ یگان‌های دریایی

این گروه‌ها می‌توانند در چند ده کیلومتر نوار ساحلی سمت شمال دست به تهاجم زده و نیرو منتقل کنند. چنین اقدامی باعث می‌شود صهیونیست‌ها به جای جهت شمالی از سمت غربی نیز با یورش نظامی مقاومت روبه‌رو شوند. در این صورت از شدت تمرکز یگان‌های نظامی رژیم در جبهه شمالی کاسته خواهد شد و اگر جبهه ساحلی دچار شکاف شود جبهه زمینی در منطقه دچار فروپاشی خواهد شد.

۵ قابلیت‌های تجهیزاتی شاخه نظامی حزب

تعداد زیاد نفرات به‌تنهایی قادر به ایجاد افق پیروزی نیست. به جز استعداد فراوان انسانی و کیفیت آموزش و تجارت جنگی آنها، تسلیحات نقشی غیرقابل چشم‌پوشی در نبرد دارد. از این رو باید به بررسی تسلیحات حزب نیز پرداخته شود.

۱ آتش‌بارها

حزب برای جلوگیری از نفوذ یگان‌های نظامی دشمن و همچنین نفوذ به شمال سرزمین‌های اشغالی نیازمند تسلیحاتی برای ریختن «آتش تهیه» بر سر خطوط مقدم دشمن است. حزب برای تحت‌فشار قراردادن خطوط مقدم رژیم صهیونیستی از ده‌ها هزار راکت، صدها خمپاره‌انداز و توپخانه بهره می‌گیرد.



منطقه اشغالی الجلیل

۲ سامانه‌های ضد تانک و ضد هوایی

حزب‌الله با استفاده از موشک‌های ض تانک قادر است استفاده رژیم صهیونیستی از تانک، نفربر و خودروهای زرهی را به‌شدت محدود کند. در این صورت رژیم مجبور خواهد بود با عقب‌کشیدن قوای زرهی خود از یگان‌های پیاده به‌صورت انفرادی بهره بگیرد، در این صورت یگان‌های تزییق شده به میدان نبرد به نیروهای ویژه محدود خواهد گشت.

همچنین اگر موشک‌های ضد تانک از سوی نیروهای نفوذ کنند به پشت خطوط دشمن استفاده شوند می‌توان از آنها برای انهدام اتوبوس‌ها و کامیون‌های ملو از سرباز استفاده کرد. همانند سال ۲۰۲۱ که سربازان حماس برای هشدار به رژیم، پس از آنکه ده‌ها نظامی صهیونیست از یک اتوبوس خارج شدند آن را با موشک ضدتانک هدف گرفتند.

۳ پهپادهای شناسایی و تهاجمی

پهپادهای شناسایی و تهاجمی حزب‌الله اطلاعات دقیقی از میدان نبرد برای اتاق‌های جنگ فراهم کرده و ضمن تسهیل پیشروی می‌توانند اهداف لازم برای یگان‌های موشکی را تعیین کنند. پهپادهای تهاجمی حتی قادرند با موشک‌ها و بمب‌های خود، مستقیما به نابودی اهداف بپردازند.

این پهپادها همچنین می‌توانند خطوط انتقال نفرات و تدارکات دشمن صهیونیستی را تحت نظارت گرفته و آن را مسدود سازند؛ همانند اتفاقی که در جریان جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ رخ داد و نیروهای ارتش آذربایجان از طریق پهپادهای تهاجمی بایرک‌تار ساخت ترکیه به‌شدت خطوط مواصلاتی نیروهای ارمنستان را تحت فشار قرار دادند.

۴ موشک‌باران پایگاه‌های پشتیبانی

موشک‌باران پایگاه‌های پشتیبانی هوایی و زمینی پشتیبان در پشت جبهه برای مختل سازی کمک به نیروهای درگیر باعث می‌شود تا رژیم قادر به اعزام نفرات و تجهیزات لازم برای جبهه شمالی نباشد. از سوی دیگر تحت‌فشار قراردادن فرودگاه‌های نظامی رژیم باعث خواهد شد میزان پشتیبانی هوایی از یگان‌های زمینی درگیر در شمال کاسته شود. حزب برای این اقدام از صدها یا هزاران موشک نقطه‌زن برخوردار است.

۵ موشک‌های ضدکشتی

موشک‌های ضدکشتی می‌تواند ناوگان نظامی و در صورت نیاز کشتی‌های تجاری رژیم صهیونیستی را هدف قرار داده و این رژیم را از نظر دریایی در محاصره قرار دهد. حزب پیش‌تر با انتشار فیلم‌های ویدئویی به نمایش موشک‌های ضدکشتی خود پرداخته است.

در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ نیروهای مقاومت لبنان برای نخستین بار با استفاده از چنین تسلیحاتی یک ناو پیشرفته رژیم را منهدم کردند.

۵ آیا حزب در نبرد منطقه‌ای تنها خواهد بود؟

دشمن و هدف اصلی حزب، رژیم صهیونیستی است. به‌شکل آشکار و واضحی جبهه مبارزه با صهیونیست‌ها فراتر از لبنان و حتی منطقه است. از این‌رو قابل تصور است که در صورت بروز جنگ میان لبنان و رژیم صهیونیستی، حامیان داخلی و منطقه‌ای قابل توجهی به پشتیبانی از حزب بپردازند.

۱ حامیان داخلی

حزب در لبنان از حمایت شاخه‌نظامی حزب امل اسلامی و گروه‌های فلسطینی ساکن در اردوگاه‌های پناهندگان بهره می‌برد. همچنین به نظر می‌رسد عناصری از شبه‌نظامیان مسیحی حامی حزب نیز در نبرد با رژیم صهیونیستی خواهان مشارکت باشند.

۲ حامیان منطقه‌ای

حامیان منطقه‌ای حزب از چندجهت قابلیت کمک به حزب را دارند. نخست آنکه به‌شکل پنهانی می‌توانند نیروهایشان را برای نبرد محتمل به لبنان اعزام کنند. براساس برخی از خبرهای منتشرشده، طی سال‌های اخیر تعدادی از یگان‌های مقاومت عراق در خاک لبنان برای مبارزه با رژیم صهیونیستی دست به تمرین زده‌اند. در نبردهای آتی نیز احتمال تزییق نیروهای مقاومت عراقی، ایرانی، افغانی و سوری به لبنان برای نبرد با صهیونیست‌ها وجود دارد.

از سوی دیگر احتمال می‌رود در حین جنگ برخی از اضلاع مقاومت مانند یمن با پهپادهای انتحاری به کشتی‌های تجاری رژیم صهیونیستی در اقیانوس هند و دریای سرخ حمله کنند. همچنین این احتمال می‌رود که از خاک کشورهای دیگر حملات پهپادی و سایبری علیه صهیونیست‌ها دیده شود.

۳ حامیان غیرفعال

به‌جز حامیان فعال و پرشور داخلی و منطقه‌ای حزب، تعداد دیگری از کشورها، ملت‌ها و گروه‌های منطقه نیز به دلایل مذهبی و قومیتی دست به حمایت از آن خواهند زد. این کمک‌ها می‌تواند در حوزه‌های گوناگون رسانه‌ای، سیاسی، تحریم رژیم صهیونیستی و فشار به حامیان بین‌المللی تل‌آویو و حتی کمک‌های مالی به لبنان باشد.

با شدت‌گیری آتش نبرد و جسارت رژیم در حمله به خاک یک کشور عربی، نه‌تنها هزینه حمایت از رژیم بلکه هزینه محکوم‌نگردن و عدم اقدام جدی علیه تل‌آویو برای حکومت‌های عربی سازشگر به‌شدت افزایش می‌یابد.